

واکنش نماینده قم به سخنان وزیر بهداشت:

سرداران آمبول والکل در کار سرداران علم وقلم دخالت نکنند

● شرق: حجت‌الاسلام مجتبی ذوالنور، نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی، در واکنش به سخنان وزیر بهداشت گفت: «اینکه وزیر بهداشت می‌گوید آقای روحانی آرامش را به جامعه آورده، ما باید اثر این آرامش را در حوزه‌های مختلف ببینیم، اگر منظور ایشان از آرامش، اعتیاد است که بیشتر شده، بی‌کاری بالا رفته، نرخ طلاق به صورت نجومی افزایش یافته است، مردم در زیر خط فقر نای راه رفتن و تکان خوردن ندارند. این آرامش به معنای بی‌تحریکی، بی‌حالی و نداشتن قدرت برای تکان خوردن مردم جامعه است.»

به گزارش «خبرگزاری دانشجو» او افزود: «وزیر بهداشت به حوزه خارج از حوزه مربوطه خودش دخالت کرده است و حق ورود به حوزه ائمه جمعه را ندارد. پیشنهاد می‌کنیم سرداران آمبول والکل در کار سرداران علم و قلم دخالت نکنند، هرکسی باید حوزه خود را بشناسد. رضاخان هم جرئت چنین حرف‌ها و اراجیفی را نداشت که ما الان شاهدش هستیم؛ بنابراین باید حساب‌شده حرف بزنند و هرکسی به حیطة کاری خودش ورود کند.»

او افزود: «اگر ائمه جمعه با مردم همدردی نکنند و اگر تسکین‌بخشی‌های آنها نبود، امروز شاهد چیزهای دیگری در سطح جامعه بودیم. ما هرچه داریم، مروهن کارها و اقدامات ائمه جمعه و سرداران حرم و قلم است. نماز جمعه کیلسا نیست. وزیر بهداشت باید بداند نماز جمعه نماز عبادی- سیاسی و حکومتی است و ائمه جمعه در همه امور ورود پیدا می‌کنند. این حرف ایشان مخصوص جوامع سکولار است.» «سیدحسن قاضی‌زاده‌هاشمی»، وزیر بهداشت، در سی‌وسومین کنگره انجمن علمی روان‌پزشکی ایران گفته بود: «خودشیفتگی مسئولان، کار دست مردم می‌دهد.

در کشور ما هرکسی اظهارنظری دارد؛ مثلاً یکی سردار علّم بوده، نوحه می‌خواند و رئیس‌جمهوری و مسئولان را به چالش می‌کشد؛ دیگری می‌شود سردار حرم و در همه حوزه‌ها اظهارنظر می‌کند؛ یکی نیز سردار قلم بوده و در همه حوزه‌ها حرفی دارد.» او گفته بود: «امیدوارم سیاست‌گذاران، دولت، مجلس، خُلبا، ائمه جمعه و هرکسی که در کشور تریبونی دارد، زحمات شما روان‌پزشکان را زیاد نکند و اعصاب مردم را تحت‌تاثیر قرار ندهد، تهمت زنند، اضطراب را تحمیل نکنند و اگر آبی برای شما نمی‌آورند، کوزه را هم نشکنند تا شاهد کاهش اختلالات روان‌پزشکی باشیم.»

رایزنی سفیر ترکیه برای گسترش روابط پارلمانی

● ایسنا: رضا هاکان تکین، سفیر ترکیه در تهران، در رابطه با حضورش در مجلس ایران با بیان اینکه «آنکارا خواستار گسترش روابط پارلمانی خود با ایران است»، گفت: «اگر دو کشور روابط بین مجالس خود را هم افزایش دهند، پیوند محکم‌تری را در روابط دو کشور برقرار خواهند کرد. در این دیدار خواست آنکارا را برای گسترش روابط پارلمانی با ایران مطرح کردم و از اراده جدی‌ای که آنها هم در این زمینه داشتند، خرسند شدم.» او افزود: «این دیدار بیشتر به منظور تریبک و برای انتخاب آقایان علّی مطهری و مسعود پزشکیان به عنوان نمایان رئیس مجلس بود. آقای مطهری از شجاع‌ترین سیاست‌مداران ایران هستند و من از اینکه با او آشنا شدم بسیار خرسند هستم. آقای پزشکیان نیز بعد از آقای لاریجانی عالی‌ترین مقام مجلس را دارند و از سیاست‌مداران برجسته ایران هستند.»

پیشخوان

● کتاب «مبارزه با فساد مالی و پولشویی: چارچوب حقوق بین‌المللی مبارزه با فساد مالی و پولشویی و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران»، نوشته بهزاد علیزاده است که ازسوی انتشارات «حکایتی دیگر» روانه بازار شده است. در مقدمه این کتاب نوشته شده: «... چون پول‌شویی ماهیتی فراملی دارد در قلمرو حقوق بین‌الملل مبارزه با آن به تصویب کنوانسیون‌ها رسید و معاهداتی در این زمینه آغاز شد. در ایران مبارزه با پول‌شویی در سال ۱۳۸۶ به ۹ تصویب رسید. در سطح بین‌الملل کشورهای عضو و در برخی موارد کشورهای غیرعضو برای اجرای تعهدات خود ناشی از الحاق به کنوانسیون پالمرو و سایر کنوانسیون‌های مربوط به جرم‌انگاری از توصیه‌هایی مانند FATF و اعلامیه بال و مهم‌تر از همه توصیه‌های چهل‌گانه استفاده کرده و در حال اجرای آن هستند. نویسنده در این کتاب سعی کرده است با روشی توصیفی به بررسی مفهوم پولشویی در حقوق بین‌الملل و مقایسه آن با نظام حقوق داخلی به این نتیجه رسیده که از لحاظ قانونی مانعی برای مبارزه با پولشویی وجود ندارد.»

politics@sharghdaily.ir

از همان ابتدا میخاش با انحصار کوبیده شد. تلویزیون خصوصی «تایت‌پاسال» که سال ۳۷ تأسیس شد عمری کمتر از ۱۰ سال داشت. با تصویب مجلس و تأییدیه سنا، لایحه تشکیل سازمان تلویزیون ملی ایران نهایی شد. از آن زمان تاکنون، نزدیک به ۵۰ سال در تلویزیون، یا همان صداوسیما انحصاری بوده است. برای همین هم شاید نامش «رسانه ملی» شده است. در ماده‌واحده مصوبه مجلس شورای ملی درباره رادیوتلویزیون آمده بود: «برای تهیه و اجرای برنامه‌ها و بهره‌برداری و اداره سایر امور تلویزیون ملی ایران در کشور سازمانی به نام سازمان تلویزیون ملی ایران وابسته به وزارت اطلاعات تشکیل می‌شود. سازمان تلویزیون ملی ایران دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی اداره می‌شود و مشمول مقررات قانون محاسبات عمومی و آیین‌نامه‌های معاملات دولتی نبوده و تابع اسانمانه و آیین‌نامه‌هایی خواهد بود که طبق بند ۴ این قانون وضع می‌شود...». بعد از انقلاب و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ذیل اصل ۴۴، رادیو و تلویزیون جزء صنایع ملی که باید انحصار آن در اختیار دولت و حاکمیت باقی بماند دیده شد. براساس تفسیریه مجمع تشخیص مصلحت نظام بر سیاست‌های اصل ۴۴ که از سوی رهبری در سال ۸۵ ابلاغ شد، دولت‌های ایران موظف شدند تا ۸۰ درصد از سهام بخش‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کنند. صداوسیما اما هیچ‌وقت مشمول این تفسیر نشد. در مناظره‌های معروف سال ۸۸ هم احمدی‌نژاد خطاب به یکی از رقبای خود گفت که شما مخالف خصوصی‌سازی بوده‌اید. رقیب انتخاباتی احمدی‌نژاد پاسخ داد اگر شما قائل به خصوصی‌سازی هستی‌تد چرا سهام مختصات را واگذار کردی؟ احمدی‌نژاد پاسخ داد که من مخالف خصوصی‌سازی را با صداوسیما پیش نمی‌بیرد؟ تلویزیون ملی پیش برنامه‌های آزمایشی‌اش را در سال ۱۳۴۵، به مناسبت مراسم چهارم آبان و زادروز محمدرضا پهلوی از ورزشگاه امجدیه آغاز کرد. نخستین رئیس رسانه ملی سپردایی ملکه بود؛ رضا قطبی، جاب است که فامیلی رئیس دوشش در حاکمیت پساانقلابی هم شبیه رئیس پیشین بود؛ صادق قطب‌زاده. قطبی ابتدا در دفتر کوچکی وابسته به وزارت اطلاعات و جهانگردی مشغول به کار شد و طرح‌های مربوط به تأسیس یک تکنیکال بزرگ تلویزیونی را تهیه می‌کرد؛ تا اینکه به ریاست تشکیلات جدید «سازمان تلویزیون ملی ایران» منصوب شد و تا سال ۱۳۵۷ خورشیدی این سمت را بر عهده داشت. قطبی خود را ناسیونالیست می‌دانست. می‌گوید بخش تقابلی تشییع پیکر غلامرضا تختی از تلویزیون موجب شد تا روابط اومتی با محمدرضا پهلوی تیره شود. به‌خصوص که ساواک این دین نامت علیه او گزارش‌های منفی برای شاه می‌فرستاد. در خاطرات پرویز تاپتی آمده است که رابطه بین ساواک و قطبی بعد از دستگیری یکی از معاونانش شرکاب‌تر می‌شود. گفته می‌شود که متن خطابه معروف شاه در سال ۵۷ با عنوان «من صدای انقلاب شما را شنیدم» را هم قطبی نوشته بود. پس از پیروزی انقلاب، قطبی مدتی در تهران مخفیانه زندگی می‌کرد تا اینکه فرح پهلوی با پرداخت هزینه‌ای راه خروج او را فراهم کرد و پس از مرگ شاه، بار دیگر قطبی به حلقه یاران فرح پیوست. صداوسیما ۳۷ساله تاکنون شش رئیس و یک مدیریت شورایی به خود دیده است. به‌جز رئیس نخست و رئیس فعلی، همین‌طور سرپرست‌ها که یکی، دو سال بیشتر نماندند، سه رئیس قبلی، هریک دو دوره کامل پنج‌ساله ریاست کردند.

سرنوشت عجیب قطب‌زاده

صادق قطب‌زاده، هم‌زمان با تشکیل دولت موقت و به دستور امام خمینی(ره) در اواخر سال ۱۳۵۷، به ریاست رادیوتلویزیون ملی ایران درآمد. در نحوه کارکرد قطب‌زاده در صداوسیما حرف و حدیث‌های فراوانی وجود دارد. برایند این اظهارنظرها نشان می‌دهد عملکرد او این رضایت خاطر انقلابیون را فراهم کرد و نه غیرانقلابیون. ازیک‌طرف، انقلابیون بودند که او را به روابط نزدیک با ملی‌گراها و رعایت‌نکردن شئونات اسلامی متهم می‌کردند. نیروهای ضدانقلاب هم او را سانسورچی می‌نامیدند. در واکنش به این اتهامات، او در یک مصاحبه با خبرنگار «عاشق‌شورا و فضیلت» و با سخنرانی دکتر داود فیرحی در محل مرکز همایش‌های بین‌المللی راینز برگزار شد. فیرحی در سخنان خود با بیان اینکه در ادبیات تشیع اعتقاد ما بر این است که آنچه فضیلت کامل دارد، امام معصوم است و درواقع امام معصوم یک شهروند تیپ ایده‌آل است و ما از کردار، گفتار و رفتار او مدلی را استخراج کنیم و به دست آوریم و یکی از آنها هم اباعبدالله‌الحسین است گفت: روایتی از امام صادق(ع) وجود دارد که می‌فرماید خداوند در میان مردم انسان‌هایی دارد که از نور خالص خودش آنها را خلق کرده و آنها چشم‌های باز خداوند هستند در میان مردم و گوش‌های شنوای خداوند هستند در میان مردم و می‌توانند زودتر از سایرین ندای دردها، اعتراض‌ها و آسیب‌های اجتماعی را بشنوند و به آن پاسخ گویند. آنها زبان گویای خدا در میان مردم‌اند و آنها امام‌ت‌داران شریعت‌اند. فیرحی ادامه داد: در روایتی که از کربلا هست مواردی وجود دارد که امام حسین(ع) می‌فرماید تا پایان توانش دنبال حفظ اصول و مبنای شریعت است، چراکه استناد بر شریعت است. و در روایت دیگری آمده است که به وسیله این افراد، خداوند بدی‌ها را از جامعه دور و محو می‌کند و همین که مشکلی در جامعه ایجاد شد، با تلاش اینها محو می‌شود و به وسیله اینها ظلم و تحقیر از جامعه رخت برمی‌بندد. ما ظلم را خروج از حق تعریف می‌کنیم و ممکن است با حاکمیت هم همراه باشد اما مواردی هم هست که ظلمی با یک نوع تحقیر به مظلوم انجام

سیاست



مرور تاریخچه تلویزیون همیشه دولتی در سالگرد آغاز به کار

انتهای جام جم

معرفی می‌کردند و در بسیاری از مقالات خود که در روزنامه‌ها و نشریات به چاپ می‌رسید، از این موضوع انتقاد می‌کردند. در زمان مدیریت او بر صداوسیما، امام خمینی(ره) که از پخش برخی از برنامه‌ها ناخرسند بود، نامه‌ای غیرمستقیم خطاب به قطب‌زاده نوشت: بخشی از این نامه چنین بود: «... به آقای قطب‌زاده بگویند مگر شما الزام به مسائل اسلامی ندارید؟ مگر شما متعهد به قرآن نیستید. انقلاب ما انقلاب اسلامی است. چرا باید برنامه‌های خلاف اسلام از صداوسیما پخش شود». نیروهای ملی و مذهبی هم از او دل خوشی نداشتند. به اعتقاد برخی از آنان رادیو و تلویزیون در زمان ریاست قطب‌زاده در چند ماه آخر دوره خدمت دولت موقت تبدیل به بلندگوی ضددولت و نخست‌وزیر شده بود. شاید آخرین‌باری که تصویر قطب‌زاده قبل از دستگیری بر قاب تلویزیون نقش بست، ۱۵ آبان ۵۹ بود. آن زمان قطب‌زاده دیگر رئیس صداوسیما نبود بلکه قرار بود در یک مناظره درباره عملکرد تلویزیون شرکت کند. در این برنامه که بیش از ۸۰ دقیقه طول کشید، صادق قطب‌زاده و مبلغی‌اسلامی، قائم‌مقام وقت سازمان، مسائل متفاوتی را درباره رادیو و تلویزیون و امور جاری کشور برشمردند. روزنامه کیهان در گزارشی از این برنامه نوشت: «قطب‌زاده ضمن برشمردن نارسایی‌های موجود سازمان در زمان تصدی خود و نیز درحال‌حاضر گفت: اعمال نظرهای شخصی و گروهی مانع اجرای برنامه خوب و مردمی از صداوسیمای جمهوری اسلامی شده است. این وضع باعث شده است اخبار صحیح به گوش مردم نرسد و هرروز به تعداد کسانی که گوش به رادیوهای بیگانه برای کسب خبر صحیح می‌دهند، افزوده شود.» قطب‌زاده افزود: «آنچه در رادیو و تلویزیون می‌گذرد، وضع آشفته‌ای‌که بر این سازمان حاکم است، شبیه وضعی است که در دیگر سازمان‌ها و نهادهای کشور حاکم است». دکتر مبلغی‌اسلامی هم گفت: «بر کار این سازمان هیچ ضابطه و اصولی حکم نمی‌کند. هرچه هست گروه‌گرایی است.» مبلغی اسلامی ابراز عقیده کرد: «کسانی که بر مسند کار هستند و پست‌های مهم را اشغال کرده‌اند، نه تخصص دارند و نه کارایی و تقوا». ۱۶ آبان ۱۳۵۹ یعنی یک روز بعد از این مناظره، قطب‌زاده از سوی دادستانی بازداشت و راهی زندان اوین شد. روزنامه کیهان فردای آن روز نوشت: «به دنبال پخش برنامه میگزرد شش جمعه در شبکه دوم، آقایان صادق قطب‌زاده و مبلغی اسلامی به علت طرح مسائل اختلاف‌انگیز و ایجاد جو تشویش و بدبینی، تحت تعقیب قرار گرفتند.» هرچند بازداشت قطب‌زاده در آبان ۵۹ به دنبال اعتراضاتی که شد، در نهایت به آزادی او انجامید اما این پایان کار نبود. در فروردین‌ماه ۱۳۶۱ انتشار خبر دستگیری قطب‌زاده به اتهام کودتا علیه جمهوری اسلامی و تلاش برای ترور امام خمینی، موجی از حیرت را در محافل داخلی و خارجی پدید آورد. آن چنان که

بعد از اینکه قطب‌زاده به وزارت خارجه رفت، موسوی خوینی‌ها، محمشی‌پور و عبدالله نوری، مدیریت شورای موقت صداوسیما را برعهده داشتند. از محمد خاتمی، بهزاد نبوی، عبدالرحیم گواهی و ابراهیم پیراینده هم به عنوان دیگر اعضای این شورای سرپرستی نام برده می‌شد. تا اینکه ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور شد و شخصی به نام «فراهی» را به مدیریت صداوسیما منصوب کرد. فراهی چندان نماند. پس از آن، شورای سرپرستی سازمان صداوسیما، طبق قانون اساسی با عضویت نمایندگان سه قوه تشکیل شد. حسن روحانی از مجلس شورای اسلامی، علی چنتی از قوه قضائیه و احمد توکلی از طرف دولت به‌اضافه اعضای علی‌البدل آنها، شورای سرپرستی سازمان را تشکیل دادند. این شورا، در اولین تصمیم خود، علی لاریجانی را- که آن زمان یکی از مدیران کل سازمان در حوزه خبر بود- به عنوان صدراعظم سازمان منصوب کرد. علی لاریجانی بعد از شش ماه برای انجام خدمت سربازی به نیروهای مسلح پیوست.

محمد هاشمی از۷۳۶۳

شورای سرپرستی در مرداد ۱۳۶۰، محمد هاشمی- برادر آیت‌الله اکبر هاشمی‌فسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی- را به عنوان مدیرعامل سازمان صداوسیما انتخاب کرد. مشخص بود که نظام قصد دارد سازمان را از فضای جناحی دور نگه دارد که این سمت را به برادر رئیس وقت مجلس سپرد. انتصاب محمد هاشمی که فردی میانه و بدون گرایش تند سیاسی محسوب می‌شد، البته به اعتماد و رابطه حسنه رهبر انقلاب و هاشمی‌فسنجانی هم بازمی‌گشت. به نظر می‌رسد که صداوسیما در دوره محمد هاشمی کمترین انتقادات و حاشیه‌ها را در مقایسه با مدیریت‌های

سال‌های قبل و بعد در این دوره داشته است. محمد هاشمی بعد از ریاست بر صداوسیما مدتی در وزارت امور خارجه ایران مسئولیت داشت. او از سال ۱۳۷۵ تا دوره ششم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. محمد هاشمی در سال‌های بعد، از منتقدان عملکرد صداوسیما بوده است.

لاریجانی از۸۳۷۳

در فاصله ریاست محمد هاشمی تا لاریجانی در قانون اساسی تغییراتی ایجاد و انتصاب ریاست سازمان صداوسیما جزء اختیارات رهبری نظام شده بود؛ بنابراین علی لاریجانی، با حکم مقام معظم رهبری به سازمان رفت. او ۱۰ سال سکان صداوسیما را به دست داشت، آن‌گاه جای خود را در سال ۱۳۸۳ به یکی از معاونان خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز صداوسیما، یعنی عزت‌الله ضرغامی داد. علی‌ لاریجانی جوان که سابقه وزارت ارشاد را در برنامه خود داشت، از دولت به صداوسیما آمد. آن زمان مواضع لاریجانی به اندازه سال‌های بعد غلظت سیاسی نداشت. او نخستین رئیس صداوسیما بود که حکم انتصابش را مقام معظم رهبری امضا می‌کرد. دوران ریاست لاریجانی بر صداوسیما به‌ویژه با آمدن دولت اصلاح‌طلبان بسیار پرفرازونشیب بود. انتقاد از نگاه جناحی در رسانه ملی از همان زمان از سوی جریان‌های سیاسی به‌ویژه اصلاح‌طلبان آغاز شد و هم‌گنوم هم ادامه داد. کنفرانس برلین، برنامه «هویت و «جراغ» در این دوره از صداوسیما پخش شدند. لاریجانی بعد از پایان دو دوره ریاستش بر صداوسیما به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام درآمد. او در سال ۸۴ شانس خود را برای ریاست‌جمهوری امتحان کرد که ناکام شد و در دولت احمدی‌نژاد به دبیری شورای‌عالی امنیت ملی رسید. بعد از اختلاف با احمدی‌نژاد و کنارفتن از دبیری شورای‌عالی امنیت ملی، وارد رقابت انتخاباتی مجلس شد و از آن زمان تاکنون ریاست مجلس را برعهده دارد.

عزت‌الله ضرغامی از۹۳۸۳

روند انتقادات در وقت عملکرد رسانه ملی در دوران ضرغامی هم ادامه یافت. ضرغامی هم متهم به خطی‌عمل‌کردن بود. تنها تفاوت این دوران این بود که انتقادات و اعتراضات تنها به بیرون از سازمان و جریان‌های سیاسی محدود نبود. آتش آن‌قدر شور شده بود که صدای درون سازمان هم درآمد. این سروصداها به‌ویژه بعد از رفتن ضرغامی و آمدن سرفراز شدت گرفت. هرروز یکی از مدیران سازمان علیه دروازه‌گشته افشاگری می‌کرد. حچیم‌شدن بدنه، هزینه‌های گزاف، رانندازی شبکه‌های متعدد بیرون مرزی و بحران مخاطب در دوران ضرغامی اوج گرفت و بارها گفته شد که این سازمان تا حد ورشکستگی هم پیش رفته است. ضرغامی مدتی بعد از پایان ریاستش بر صداوسیما در حاشیه یک مراسم و در پاسخ به اعتراضات نسبت به عملکرد جناحی این سازمان به خبرنگار ایلنا گفت: «آن مسئله در چارچوب اهداف صداوسیما بود». اگرچه بعدا حرف خود را تکذیب کرد و همانند قبل که بارها گفته بود باز هم گفت رویکرد جناحی در رسانه ملی جایی ندارد. عماد افروغ، اصولگرای منتقد، اما تأیید کرده که ضرغامی رسالت جناحی خود را به‌خوبی ایفا کرده است. ضرغامی در روزهای بعد از ریاست، فراغ‌بال یافته تا کانال تلگرامی خود را به نام خمیاره با موضوع طنز و گپ‌وگفت غیررسمی و شاد و دانستی‌های عمومی راه‌اندازی کند. حالا او کنایه‌های طنزآمیز خود علیه دولت و جریان مقابل را فضاخدا در کانال تلگرامی‌اش هدایت می‌کند.

بعد از رفتن از صداوسیما به عضویت در شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و شورای‌عالی فضای مجازی درآمد. پس از او محمد سرفراز در آبان‌ماه ۱۳۹۳ با حکم مقام معظم رهبری به ریاست سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران منصوب شد. ریاستی که چندان دوام نیاورد. سرفراز از اردیبهشت‌ماه سال ۹۵ استعفا داد و صندلی خود را به علی عسکری واگذار کرد. با وجود همه این رفت‌وآمدها صداوسیما همچنان بر پاشنه انحصار می چرخد.

سخت‌ر و دیوانه‌اند که خیمه‌ها آتش زده شده و سرها بریده شده و سفری طولانی و سخت به شام انجام شده و به محض اینکه به دارالعماره هم وارد می‌شوند، با سر امام^(ع) مواجه می‌شوند که گردوخاک هم بر آن نشسته است. این کاروان وارد شهری شدند که مرکز جهان آن روز بود، چراکه دولت اسلامی ابرقدرت زمانه بود و یزید شروع کرد به چوپزدن به دندان‌ها و لب امام حسین^(ع) و مغرورانه شعری می‌خواند و می‌گفت من انتقام بدر را گرفتم. اینجااست که بحث شجاعت و حکمت پیش می‌آید، حضرت افروز: یزید در این زمان، برخاست و بر پا ایستاد و بر مجلس مسلط شد و فرمود یزید! آیا فکر می‌کنی که دنیا را بر ما تنگ کرده‌ای؟ فکر می‌کنی ما را اسیر کرده‌ای و برنده‌ای؟ عجله نداشته باش و از روی نداننی زود قضایات کن. قرآن فرموده است که وقتی به یافغان و طاغیان فرصت می‌دهیم، فکر نکنند که به نفع آنهاست چراکه ما می‌خواهیم جرم آنها بیشتر شود. فیرحی در پایان گفت: حضرت زینب استدلالی می‌فرماید آ از عدالت است که زن‌های آزاد خودت را بیوشانی و حتی کنیزانت را هم محترم بشمارای اما زینب پیامبر را آواره کنی؟ آیا این از عدالت است؟ تو که فرزند طلقایی، با خاندان پیغمبر این‌گونه رفتار کردی، پوشش آنها را برداشتی و صورت‌هایشان را باز کردی، شهر به شهر آنها را گرداندی و دشمنان به آنها اهانت کردند، خندید و نگاهشان کردند و در آخر نیز حضرت زینب^(س) حرفی کلبندی می‌زند و می‌فرماید ما همه اینها را برای خودمان یک امتحان الهی تلقی می‌کنیم.

روزنه

تلاش ایران و روسیه برای تسهيلات کنسولي

● ایسنا: سخنگوی وزارت خارجه روز گذشته در نشست هفتگی خود با اشاره به اینکه دومین مذاکرات مطرح می‌شود؛ اما الزاما این مذاکرات حول محور حقوق بشر نیست. ما در بحث حقوق بشر، دیدگاه‌ها و نگاه‌های خود را براساس دین اسلام و نیز قانون اساسی داریم و آنها هم نگاه خود را دارند که می‌توانیم در این رابطه شنونده نظرات یکدیگر باشیم». او با بیان اینکه سفیران ایران در سوریه، عمان و سوئیس به‌زودی مشخص می‌شوند، عنوان کرد: «دلیل خاصی در تأخیر برای انتخاب سفیر ایران در سوئیس وجود ندارد. درباره هر سه کشور افرادی مطرح هستند که امیدواریم این پروسه در این مقطع زمانی با توجه به روابط ویژه‌ای که با سه کشور داریم هرچه زودتر طی شود و سفیران اعزام شوند.»

سخنگوی وزارت خارجه درباره اخبار منتشرشده مبنی بر تیراندازی در نزدیکی سفارت ایران در ترکیه به‌وسیله نیروهای امنیتی این کشور، گفت: «خبر موقتی در این ارتباط تاکنون از سفارت کشورمان در آنکارا به دست ما نرسیده است و در‌حال‌حاضر آنچه در این زمینه منتشر شده، یک خبر رسانه‌ای است. آنچه می‌توانم بگویم این است که در این تیراندازی‌ها بعید است سفارت ایران هدف بوده باشد و در واقع نمی‌توانم تأیید کنم هدف سفارت ایران بوده است.»

سخنگوی وزیر خارجه درباره اینکه تعدادی ایرانی – آمریکایی که از زندان‌های ایران آزاد شدند در دادگاه‌های ایالتی آمریکا از ایران شکایت کرده‌اند و همچنین یکی از نمایندگان مجلس گفته قرار بود در برابر آزادی یکی از این افراد ۲۰ ایرانی از زندان‌های آمریکا آزاد شوند، عنوان کرد: «افرادی که شکایت کرده‌اند، تبعه ایران هستند و نمی‌توانند در دادگاه کشورهای دیگری علیه ایران اعلام جرم کنند؛ درباره آن ۲۰ نفر نیز من اطلاعاتی ندارم.»

او با بیان اینکه اقداماتی که انجام می‌دهیم متقابل است، گفت: «تصور بر این نیست که با آمریکایی‌ها به این نقطه مشخص رسیده‌ایم. ما با آمریکایی‌ها در کنار تعدادی از کشورهای اروپایی در ارتباط با موضوع هسته‌ای مذاکراتی داشتیم و به تفاهماتی رسیدیم. ایران در جریان این موضوع به تعهدات خود عمل کرد؛ اما متأسفانه شاهد برخی از بدقولی‌ها و بدعهدی‌ها از سوی طرف‌های مقابل از جمله آمریکایی‌ها هستیم، درحالی‌که آنها باید در اسرع وقت به تعهدات خود در برجام عمل کنند.»

قاسمی درباره آخرین گفت‌وگوهای ایران و کانادا افزود: مذاکرات کارشناسی بین دو کشور همچنان ادامه دارد و ما امیدواریم با حل‌وفصل برخی از مسائل باقی‌مانده بین دو کشور در مرحله نخست بتوانیم برای داشتن دفتر حافظ منافع در پایتخت دو کشور به تفاهم برسیم. هنوز برخی از مسائل حقوقی و سیاسی بین دو کشور وجود دارد و پیگیری‌های فزاینده دفتر حافظ منافع در این راستا در دست اقدام است. ما امیدواریم با توجه به اهمیتی که دو کشور برای یکدیگر قائل هستند بتوانیم با اشتیاق و جدیت بیشتری کارهای بعدی را برادراریم.

تبادل هدیه بین ۲ وزیر خارجه عرب‌است

او در پاسخ به سوآلی درباره اخبار منتشرشده به نقل از سفیر ایران در روسیه مبنی بر اینکه احتمالا تا سال آینده شاهد لغو روادید بین ایران و روسیه خواهیم بود، گفت: «اراده دو کشور، توسعه همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف و ایجاد تسهيلات کنسولي برای دو کشور است و این موضوع در دستور کار است. من می‌توانم صحبت‌های آقای سفیر را این‌گونه بیان کنم که ایشان بر این تأکید کردند که دو کشور خواهان رسیدن به یک نقطه مطلوب در بحث روادید هستند.»

سخنگوی وزارت خارجه در ادامه این نشست خبری درباره خبر اخیر روزنامه گاردین مبنی بر اینکه به ایمیل‌های جان کری، وزیر خارجه آمریکا و محمود جواد طریف درباره نشست لوزان درخواست ایران برای اضافه‌شدن مصر و عراق به فهرست کشورهای شرکت‌کننده در نشست لوزان دست پیدا کرده است، گفت: «من در جایگاهی نیستم که یک خبر گاردین را تأیید یا تکذیب کنم. رسانه‌های غربی به دلایل مختلفی و در مقاطع مختلف مطالبی را منعکس می‌کنند که می‌تواند مصداق عینی و بازاری نداشته باشد و گاهی هم می‌تواند ناشی از برداشت و ذهنیتی باشد که آن ذهنیت و برداشت درست است.»

قاسمی درباره اخبار منتشرشده در ارتباط با هدیه طریف به جان کری و مباحث حاشیه‌ای که در این زمینه از سوی برخی از رسانه‌ها منتشر شده است، گفت: «در رفت و آمدهای سیاسی و دیپلماتیک معمولاً هدایایی ردوبدل می‌شود و این موضوع از سطوح عالی تا سطوح پایین مرسوم است و مقامات کشورها براساس فرهنگ و منطقه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، هدیه‌هایی را به طرف‌های مقابل خود می‌دهند که بعضی مواقع این هدیه‌ها کتاب است یا صنایع دستی و به‌طورکلی چیزهایی را که جنبه سمبلیک دارد هدیه می‌دهند.»